

دیباچه: می‌گویند "زئوس" و "پاراسیو" از معروفترین نقاشان یونان باستان بودند و با یکدیگر رقابت داشتند. روزی آنها در یک مسابقه نقاشی در حضور مردم شرکت کردند تا بهترین نقاش یونانی انتخاب شود. "زئوس" روی تابلوی خود یک خوشه انگور کشید و در این کار چنان مهارتی از خود نشان داد که پرندگان به تصور آنکه خوشه انگور واقعی است، به سوی آن هجوم آوردند. "پاراسیو" نیز برای نشان دادن نقاشی‌اش از رقیب خود دعوت کرد تا پرده نقاشی را کنار بزند اما وقتی زئوس برای کنار زدن پرده نقاشی جلو رفت، متوجه شد که پرده‌ای وجود ندارد بلکه "پاراسیو" خود پرده را نقاشی کرده است و در نتیجه همگان برتری پاراسیو را به رسمیت شناختند. این داستان را بسیاری از ما به عنوان اوج قدرت یک نقاش در خلق یک شاهکار هنری شنیده‌ایم اما آیا نقاشی یعنی همین؟ آیا هنر نقاش این است که آنچنان ماهرانه طبیعت را تقلید کند که حتی خود طبیعت را نیز به اشتباه بیندازد؟ در این صورت چگونه می‌توان به نگاره‌های دیوارهای غارها یا آثار هنرمندان مدرن، نقاشی گفت؟ استادان و هنرمندان نقاشی بر خلاف نظر افرادی که نقاشی را فتوکپی طبیعت می‌دانند، معتقدند که نقاشی هنری است که در پیوند با اندیشه، جهان‌بینی و شرایط حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد و معنا و مفهوم پیدا می‌کند و نهایتاً در غالب تصویر بیان می‌گردد. البته براساس این

تعریف نمی‌توان تعریف نقاشی را با هنرهای تجسمی دیگر مانند گرافیک یا طراحی مشخص نمود و این به دلیل آن است که امروزه مرز بین بسیاری از هنرها شکسته شده است و نمی‌توان با خط‌کش لغات، حیطة یک هنر را تعیین کرد. رشته نقاشی فضایی را ایجاد می‌کند که هر دانشجوی خلاق متناسب با توان، سلیقه، دانش و ذهنیت خویش، دنیای خاص آفرینندگی خود را در آن می‌یابد و در نتیجه می‌تواند آثاری را خلق کند که باعث تحول خود و در مرحله بعد جامعه‌اش گردد. این رشته به آموزش سبک‌های برجسته نقاشی معاصر ایران و جهان می‌پردازد و در کنار آن دانشجویان دروسی مثل طراحی، اطلاعات و مبانی هنرهای تجسمی، تاریخ هنر و تاریخ عمومی نقاشی را می‌گذرانند. یک دانشجوی رشته نقاشی در طی تحصیل در دانشگاه می‌آموزد که خوب ببیند، تحلیل کند، دانش خود را وسعت بخشد و آنچه را که یاد گرفته است در سطوح مختلف اشاعه بدهد. به همین دلیل اگر فردی قریحه و ذوق نقاشی نداشته باشد، با ورود به رشته نقاشی فقط یکسری اطلاعات به دست می‌آورد و بازدهی نخواهد داشت.

توانایی‌های لازم :

دانشجوی رشته نقاشی باید ویژگی‌های جسمی و روحی خاصی داشته باشد تا بتواند در این رشته موفق گردد و به همین دلیل نیز آزمون نقاشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به صورت نیمه‌متمرکز برگزار می‌شود؛ یعنی پیش از ورود به دانشگاه استعداد و

خلاقیت داوطلب در یک آزمون عملی سنجیده می‌شود تا بهترین و توانمندترین داوطلبان وارد دانشگاه گردند. از سوی دیگر نقاش؛ یعنی خلاق؛ یعنی آفریننده؛ یعنی کسی که از مرز بایدها و نبایدها می‌گذرد تا طرحی نو دراندازد و به همین دلیل نمی‌توان به او دستور داد که چگونه باش و از چه راهی برو تا موفق شوی. در واقع یک نقاش نمی‌تواند در چهارچوبی مشخص و معین محدود گردد. و بالاخره باید گفت که هنر نقاشی مثل هر هنر دیگری کار طاقت‌فرسا، هوش، نبوغ و شعور فراوان نیاز دارد.

موقعیت شغلی در ایران :

یک فارغ‌التحصیل نقاشی نباید انتظار داشته باشد که تنها مشغله و منبع درآمدش نقاشی کشیدن باشد چرا که حتی نقاش‌های موفق و معروف جهان نیز تنها مشغله‌شان کشیدن نقاشی نیست بلکه در کنار نقاشی، به تدریس نقاشی نیز می‌پردازند. کاری که بسیار مثمر ثمر است، چون تدریس و ارتباط با دیگران، تأثیر به‌سزایی در دید، ذهن و اندیشه یک نقاش می‌گذارد. در کشور ما نیز یک نقاش می‌تواند علاوه بر نقاشی به تدریس این هنر در مراکز آموزش عالی یا آموزشگاه‌های آزاد و به فعالیت در مطبوعات و نشریات، صداوسیما، فرهنگسراها، سازمان میراث فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری‌ها (به عنوان طراح و مجری نقاشی‌های دیواری) بپردازد.

درس‌های این رشته در طول تحصیل :

دروس پایه:

مبانی هنرهای تجسمی ، کارگاه طراحی پایه (سطح یک) ، کارگاه عکاسی پایه، هندسه مناظر و مرایا، کارگاه چاپ‌های دستی، کارگاه حجم‌سازی، تجزیه و تحلیل و نقد آثار هنرهای تجسمی، هنر و تمدن اسلامی ، آشنایی با هنر در تاریخ.

دروس اصلی:

کارگاه طراحی (سطح دو) ، نقاشی دیواری ، کارگاه نقاشی دیواری (سطح یک)، کارگاه نقاشی (سطح یک)، تاریخ عمومی نقاشی، تجزیه و تحلیل و نقد آثار نقاشی.

دروس تخصصی:

کارگاه طراحی (سطح سه) ، کارگاه نقاشی (سطح دو)، کارگاه نقاشی (سطح سه)، مرمت آثار نقاشی. طرح عملی جامع، طرح و رساله نهایی

منبع: کتاب آشنایی با رشته های دانشگاهی سازمان سنجش آموزش کشور تالیف خانم فیروزه سودایی ونرم افزار سامان رشته ی سازمان سنجش